



گفت گو میان زائر و راننده تاکسی



- سلام و رحمت و برکات خداوند

- سلام بر شما

بادا کجا می روید؟

- خوش آمدید بفرمایید سوار شوید

- به موزه مکه مکرمه می رویم.

- چهل ریال

- چند ریال از ما می گیری؟

- ببخشید سی ریال برای هر زائر

- کرایه گران است. ما سه نفر هستیم.

- آیا پول ایرانی قبول می‌کنی؟

- بله اشکالی ندارد، ای جوانان! با شعا ایرانی هستید؟

- بله و تو اهل کجا هستی؟

- من پاکستانی هستم و در اینجا مشغولم. در

کشورم در مزرعه کار می‌کردم

- آیا تاکنون موزه را دیده‌ای؟

- نه: ندیده‌ام. فرصت ندارم.

- چرا به آنجا رفتی؟

- زیرا من از صبح تا شب کار می‌کنیم و

- ببخشید ساعت چند است؟

- ده تمام.

- همراه ما بیا. سپس با هم برمی‌گردیم.

- نه: نمی‌توانم. بسیار سپاسگزارم.

- آیا می‌پذیری.

گفت گو میان زائر و راهنمای موزه

- در این موزه چه چیزی هست؟
- آثار تاریخی حرمین شریفین.
- و این ستون چیست؟
- ستون چوبی کعبه.
- و این آثار چیست؟
- درب منبر قدیمی مسجد پیامبر. آثار
- چاه زمزم، تصاویر حرمین شریفین و
- مقبره بقیع و آثار زیبای دیگر
- به خاطر توضیحات سؤدمندان - وظیفه بود؛ نیازی به تشکر نیست.

ما

سپاسگزارم.